



اولین حمله جدی به بازار ارز چگونه انجام شد؟

● نخستین حمله به بازار ارز ایران در سال ۸۹ آغاز شد و در این سال، زمینه دونرخی شدن ارز و تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد ایجاد شد

گزارش

در شماره قبل «ایران اقتصادی»، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت‌های نهم و دهم به بیان بخشی از تحولات اقتصادی کشور در مقطع سال‌های فعالیت دولت محمود احمدی‌نژاد پرداخت. سیدشمس‌الدین حسینی، در قالب جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران، مباحث مختلفی را از اقتصاد ایران در دولت‌های نهم و دهم مطرح کرد. حسینی به مسائل فروش نفت، تشدید تحریم‌ها، تحولات نرخ ارز و... اشاره کرد. در این شماره نیز، به مشکلات بروز شوک ارزی در سال‌های ۸۹ و ۹۰ پرداخته است.

● از اینکه جایگزین امارات، رفتار امارات را تکرار کند، نگران نبودید؟ به هر حال ترکیه روابط دوستانه‌ای با آمریکا دارد؟

ترکیه به امارات اضافه شد نه اینکه جایگزین امارات شد. ضمن اینکه تنها کشور ترکیه نبود و کشورهای دیگری نیز صاحب نقش بودند اما چون نام ترکیه زیاد بر سر زبان‌ها افتاده، من به راحتی نام این کشور را می‌برم. در حقیقت بعد از این اتفاقات تنوع مبادلات ارزی ایران خیلی بیشتر شد، حتی بخشی از آن را خود تجار پیدا کردند. برای مثال کسی که واردکننده بود، طبق معمول از طریق دفترش در دوبی به کمک بانک‌های ایرانی که در دوبی شعبه داشتند، در ایران به آن بانک ریال داده و شعبه همان بانک در دوبی به این تاجر درهم می‌داد و آنها می‌توانستند کارهایشان را انجام دهند. در شرایط معمول، بانک مرکزی سیستم پولی ما بسیاری از پول‌ها را به دلیل ریسک نوسان بالایی که داشتند، قبول نمی‌کرد. تاجر و بانک مرکزی ایران قبل از این فشارهای تحریمی علاقه‌ای به کار کردن با این ارزها نداشتند اما تحریم‌ها سبب شد که در مبادلات، ناگزیر از یک پول باثبات به سمت پول‌هایی با نوسان بیشتر حرکت شود، کما اینکه به جای برخی از

● بعد از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹، آقای احمدی‌نژاد در اظهارنظری گفت: قطعنامه کاغذ پاره و بی‌ارزش است. شما نیز چندین بار در مصاحبه‌های خود گفتید: تحریم‌ها حتی اثر روانی هم ندارد. حتی یادم هست بعد از اظهارنظر درباره بی‌تأثیر بودن تحریم‌ها، به شاتنگ‌های چین رفتید و وقتی خبرنگار چینی از شما در آنجا پرسید: «افزایش تحریم‌های خارجی در اقتصاد ایران چه تأثیری خواهد داشت؟» شما پاسخ دادید: تحریم‌ها ممکن است زحمت‌آفرین باشد اما خللی در مسائل اقتصادی ما به وجود نیاورده و نخواهد آورد و بی‌تأثیر است. واقعاً چنین اعتقادی داشتید؟

آن موقع خبرنگار چینی درباره قطعنامه سازمان ملل پرسید، نه تحریم‌ها. این اشتباه شما از سوی آدم‌های سیاسی نیز مطرح می‌شد. خبرنگار می‌پرسید قطعنامه، اما شما یا دیگران می‌گویید تحریم‌ها. وقتی کسی از من سؤال می‌پرسد، من جواب سؤال را می‌دهم. اما شما سؤال دیگری را جایگزین می‌کنید و همان جواب مرا نقل می‌کنید.



آن موقع خبرنگار چینی درباره قطعنامه سازمان ملل پرسید، نه تحریم‌ها؛ این اشتباه شما از سوی آدم‌های سیاسی نیز مطرح می‌شد. خبرنگار می‌پرسید قطعنامه، اما شما یا دیگران می‌گویید تحریم‌ها. وقتی کسی از من سؤال می‌پرسد، من جواب سؤال را می‌دهم. اما شما سؤال دیگری را جایگزین می‌کنید و همان جواب مرا نقل می‌کنید

یادم هست بعد از اینکه خزانه‌داری آمریکا می‌خواست بانک مرکزی ما را تحریم کند، معاون ارزی وقت بانک مرکزی در جلسات ستاد مقابله با تحریم‌ها می‌گفت: «طبق مقررات بین‌المللی، تحریم بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست». من آن موقع به شوخی گفته بودم بعد از انقلاب وقتی سران رژیم پهلوی دستگیر شدند از رئیس ساواک پرسیده بودند: «شما بر اساس قانون مردم را شکنجه می‌دادید؟ که رئیس ساواک گفته بود قانونی که ما تصویب کرده‌ایم خودش یک نوع شکنجه است و این قوانین خودشان یک بی‌قانونی هستند». من همان موقع معتقد بودم امریکایی‌ها بانک مرکزی را تحریم خواهند کرد. البته باید اذعان کرد اگر از چهارچوب مقررات و موازین حقوقی نگاه می‌شد، حرف معاون ارزی بانک مرکزی کاملاً درست بود. اما من باور داشتم پرونده‌ای که به شورای امنیت می‌رود، جنبه‌های سیاسی‌اش بر جنبه‌های حقوقی آن غالب است. بویژه آن که طرف مقابل امریکایی باشد که به هواپیمای مسافربری ایران حمله نظامی کرده است، یعنی همه چیز را زیر پا می‌گذارد. البته زمان که می‌گذرد خیلی مسائل روشن می‌شود. خوب است به تفسیرهای همین روزهای وزارت خارجه در دولت یازدهم توجه کنید که می‌گویند ما قطعنامه ۲۲۳۱ را در بخش‌های موشکی اجرا نمی‌کنیم. جالب است آن موقع آقای احمدی‌نژاد در قبال قطعنامه ۱۹۲۹ که ایشان و همه مقامات ایرانی آن را غیرمعتبر و غیرمنصفانه و غیرقابل قبول می‌دانستند، موضع می‌گرفت و حالا مقامات دولت یازدهم در مقابل قطعنامه‌ای موضع مشابه می‌گیرند که

خودشان آن را پذیرفته‌اند و ضمانت اجرای توافق‌های دولت یازدهم با ۵+۱ را برجام قرار داده شده و به تعبیری خودشان آن را پرونده‌اند. این را هم اضافه کنم که دولت قبل چه در دوره نهم و چه دهم برای مقابله و کاهش آثار قطعنامه‌ها و تحریم‌های یک‌جانبه و دو‌جانبه که به مراتب فراتر از قطعنامه سازمان ملل بود برنامه، ستاد و اقدامات و تلاش داشت.

● وقتی وارد سال ۹۰ می‌شویم شوک ارزی آغاز می‌شود. چرا با آغاز سال ۹۰ شوک ارزی هم آغاز شد. لطفاً ماجرا و قضایای آن روزها را

مقداری مفصل‌تر بگویید. اولین حمله جدی به بازار ارز ایران در سال ۸۹ اتفاق افتاد. در بخش‌های قبلی گفت‌وگو مکانیسم آن را به صورت مفصل شرح دادم. اگرچه تجارت ما نسبت به گذشته متنوع‌تر شده بود اما شریک اصلی تجاری ما نقطه‌ای کوچک در جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان به نام امارات بود. نطفه دونرخی یعنی تفاوت نرخ بازار رسمی و بازار آزاد ارز، گرچه اندک اما در سال ۸۹ بسته شد. سال ۸۹ با تمام فراز و نشیب‌هایش با یک ثبات نسبی در بازار ارز به پایان رسید. در این سال، ایران رشد اقتصادی نسبتاً خوب و تورم پایینی را تجربه کرد. در مجموع شاخص‌های اقتصادی کشور نشانگر شرایط مناسبی بود و هدفمندی هم با توفیق چشمگیری اجرا شد.

● اما در اردیبهشت ۹۰، بازار ارز با افزایش قیمت مواجه شد.

قطعنامه سازمان ملل با اقدامات دیگری دنبال شد، تحریم‌های یک‌جانبه و بعد چندجانبه اضافه

شد. آمریکا به تنهایی فراتر از اقدامات قبلی و قطعنامه، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کرد. انگلیس، ژاپن، کانادا، اتحادیه اروپا و... در این راه به کمک آمریکا شتافتند و آمریکا را همراهی کردند. در سال ۹۰ و ۹۱ ایران با دستورالعمل‌های مختلف خزانه‌داری آمریکا و تحریم‌های جدید مواجه بود. ضمن اینکه تحریم‌ها جنبه فرا سرزمینی به خود گرفتند. یعنی آمریکا فقط شهروندان و اشخاص حقیقی و حقوقی تابع خود را از معامله با ایران منع نمی‌کرد، بلکه با استفاده از سلطه اقتصادی و نظامی و غیره، برای شرکای تجاری خودش در سایر کشورها نیز خط و نشان می‌کشید و تحریم‌های ثانویه را توسعه می‌داد و برای دیگران شرط و شروط می‌گذاشت. البته این مسائل به لحاظ حقوق بین‌الملل قابل بررسی است. وقتی دست به تهدید دیگران می‌زد، تاجر سایر کشورها می‌دانستند اگر با ایران کار کنند باید قید رابطه تجاری با آمریکا را بزنند. چون حجم کاری اکثر کشورها با آمریکا بیشتر بود، کشورها مجبور بودند برای آنکه بتوانند با آمریکا کار کنند، قید تجارت با ایران را بزنند. در بسیاری از موارد وقتی با مسئولان دولت‌های مختلف صحبت می‌کردیم، آنها قول همکاری داده و همکاری نیز می‌کردند، اما وقتی بازرگان آن کشور حاضر به همکاری با شما نیست، چکار می‌شود کرد؟ این مسائل پیچیدگی‌هایی بود که باعث شد در سال ۹۰ و ۹۱ شرایط سخت‌تر شود.

● از چه تاریخی در سال ۹۰ این اتفاقات آغاز شد؟ مشخصاً از نیمه دوم سال ۹۰، سیاستی